

گفتگو با آقای آرش نور آقایی در رابطه با تاثیرات متقابل گردشگری و محیط زیست  
IQ مهم تر است یا EQ  
چگونه منطقی فکر کنیم  
قمار مجازی  
سلامت ژاپنی ها  
اخبار KWC  
تحلیل اخبار آب

## کشور من به زودی غرق خواهد شد



است، باعث شده تعداد طوفان های دریائی افزایش پیدا کند و آب دریا تا اعماق زمین های ما نفوذ کند.

**گریس اندرسون:** اگر مجبور شوید، حاضر هستید جزیره را ترک کنید؟  
**آنوئه تونگ:** هیچ کس دوست ندارد خانه اش را ترک کند، این یک تصمیم بسیار مشکل برای من و مردم کشورم هست. من گاهی متهم می شوم که به اندازه کافی برای حل مشکل تلاش نکرده ام، در صورتی که کار زیادی از دست ما بر نمی آید و این مشکلی است که باید به کمک همه مردم جهان حل بشود، تغییر اقلیم

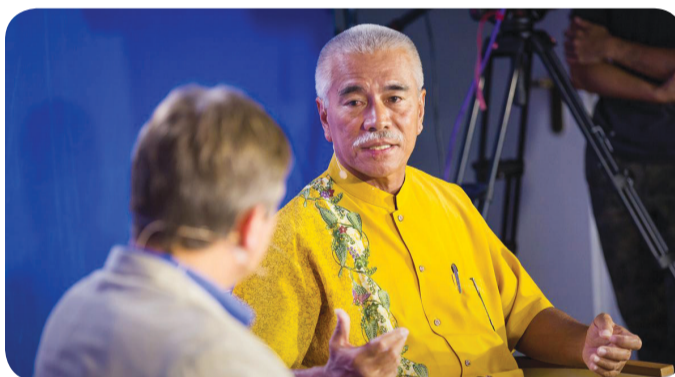
یک پدیده جهانی است. در سازمان ملل به من گفتند که کاهش انتشار گازهای گلخانه ای، چیزی است که صنایع جهان را تحت تاثیر قرار می دهد، پس نمی شود انجامش داد. من گفتم، مشکل شما را درک می کنم، ولی شما هم مشکل کشور من را بفهمید. اگر شما تولید گاز های گلخانه ای خود را کم نکنید، زندگی ما به خطر می افتد. این یک مسئله اخلاقی است. شما باید رشد صنعت در مقابل بقای انسان ها سبک سنگین کنید. من به جهانیان گفتم واقعا در مورد اتفاقی که برای اقلیم جهان می افتد باید کاری انجام بدهیم، چون این مسئله آمیخته با آینده بچه های ماست. من خودم ۱۲ نوه دارم و باید به فکر سرنوشت آنها باشم. من هر وقت نوه هایم را می بینم، به فکر فرو می روم، حتی بعضی اوقات عصبانی می شوم، بله عصبانی می شوم، چون می دانم چه اتفاقی برای آنها در حال روی دادن است. به همین دلیل به رهبران و مردم تمام کره زمین می گویم، منافع ملی آنها در اولویت نیست، چون تغییر اقلیم به گونه ای تاسف بار، برای بسیاری از کشورها به زودی به صورت یک مشکل ملی در خواهد آمد. من فکر می کنم آنها که با تولید گازهای گلخانه ای و گرم تر شدن کره زمین به فکر منافع ملی خود هستند در طول زمان منافع شان آسیب های فراوانی خواهد دید. این بحثی است که ما اخیرا با همسایه های خود، یعنی استرالیا و نیوزلند مطرح کردیم، یکی از رهبران استرالیا گفت: «ما نمی توانیم بیشتر از این انتشار گازها را کاهش دهیم. ما سهم خودمان را انجام داده ایم، ما داریم از انتشار گازهای گلخانه ای کم می کنیم.» من در پاسخ گفتم: «اگر شما می توانستید بقیه گازهای گلخانه ای که تولید می کنید را داخل مرزهای کشور خودتان نگه دارید، ما مشکلی نداشتیم. می توانستید هر چقدر می خواهید گاز منتشر کنید. ولی متأسفانه شما آن را به سمت آسمان می فرستید و باعث گرم شدن کل کره زمین می شوید و این آینده کودکان ما رو تحت تاثیر قرار می دهد، من فکر می کنم مشکل اصلی تغییرات اقلیمی همین است، چون ما آلودگی را به صورت فردی، یا به عنوان یک ملت ایجاد می کنیم، ولی بقیه جهان را هم تحت تاثیر قرار می دهیم. با این وجود، ما هنوز هم با این مسئله به عنوان یک مشکل داخلی برخورد می کنیم، در صورتی که این یک مشکل جهانی است و باید به صورت جمعی با آن برخورد کرد.

مترجم علی حسام زاده

آقای دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا روز پنجشنبه ۱۱ خرداد سال ۱۳۹۶ تصمیم خود مبنی به خروج از توافق تغییرات اقلیمی پاریس را اعلام کرد. او گفت این توافق عادلانه نیست، چون آمریکا را محدود می کند و اضافه کرد: تصمیم آمریکا به خروج از توافق پاریس به صنایع نفت و ذغال سنگ آمریکا کمک می کند و باعث ایجاد شغل در کشور می شود. این توافق در سال ۲۰۱۵ توسط تمام کشورهای جهان (به جز سوریه و نیکاراگوئه) در پاریس امضاء شد. در آن زمان باراک اوباما توافق نامه را از طرف آمریکا امضا کرد. امضاء کنندگان قبول کردند ۵۵ درصد از میزان انتشار گازهای گلخانه ای خود در فاصله سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ بکاهند. همچنین کشورهای توسعه یافته متعهد به تامین منابع مالی جهت کمک به کشورهای در حال توسعه به میزان سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار از سال ۲۰۲۰ شدند.

یکی از کشورهای امضاء کننده توافق پاریس جمهوری کرباتی (Republic of Kiribati) است.

کشوری که از سه مجمع الجزیره، واقع در اقیانوس آرام تشکیل شده و کم ارتفاع ترین کشور دنیا، نسبت به سطح دریا است. مساحت آن ۸۱۱ کیلومتر مربع و جمعیت کل آن کمی بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر است. این کشور از ۳۳ جزیره مرجانی تشکیل شده که ۲۱ جزیره آن مسکونی است. آقای آنوئه تونگ (Anote Tong) ۶۴ ساله، رئیس جمهور این کشور کوچک و دور افتاده، بسیار نگران است که به زودی کشورش نابود شود، چون پیش بینی می شود در آینده نزدیک مجمع الجزایر کرباتی به زیر آب خواهد رفت.



آقای گریس اندرسون روزنامه نگار سرشناس و یکی از مدیران انجمن TED مصاحبه ای با آنوئه تونگ در باره گرم شدن کره زمین انجام داده که در اینجا ملاحظه خواهید کرد.  
**گریس اندرسون:** کشور شما فقط سه نقطه کوچک توی نقشه دنیا است. البته اون نقطه ها مساحت زیادی دارند، فکر می کنم هر کدام به اندازه ایالت کالیفرنیا باشند. به ما در مورد کرباتی بگوئید.

**آنوئه تونگ:** کرباتی از سه گروه جزیره تشکیل شده، گروه گیلبرت در غرب، مجمع الجزایر فینیکس در میانه و مجمع الجزایر لاین در شرق که همگی از جزایر مرجانی تشکیل شده اند.

**گریس اندرسون:** از چه زمانی شما متوجه شدید که کشور شما در معرض خطر غرق شدن قرار گرفته؟

**آنوئه تونگ:** شرایط تغییر اقلیم چیزی است که از مدت ها پیش در حال وقوع بوده، زمانی که من در سال ۲۰۰۳ رئیس جمهور شدم، یک سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تغییر اقلیم کردم، البته در آن زمان خیلی با هیجان صحبت نکردم، چون خطر گرم شدن زمین در آن زمان هنوز محل بحث و گفتگو در بین دانشمندان بود. فکر می کنم این بحث تقریباً در سال ۲۰۰۷ یعنی در چهارمین گنجره تخصصی علوم زمین (IPCC) به نتیجه قطعی رسید. متخصصان در این گردهمایی با قاطعیت تأیید کردند که گرم شدن زمین واقعیت دارد و این اتفاق به دلیل دخالت های انسانی رخ داده، همچنین چند سناریوی خیلی وخیم برای کشورهایی مانند ما پیش بینی کردند. از اینجا همه چیز برای ما تبدیل به موضوعی بسیار جدی شد. پیش بینی ها حاکی از آن بود که تا سال ۲۱۰۰، سطح اقیانوس ها نود سانتیمتر افزایش پیدا خواهند کرد. البته هنوز هم افراد شکاک هستند که این پیش بینی ها را قبول ندارند و می گویند «اگر هم اتفاق بیفتد مگه نود سانتیمتر چه اهمیتی دارد؟ کشور شما به طور متوسط یک متر و هشتاد سانتیمتر بالاتر از سطح دریا قرار دارد. مشکل کجاست؟» من فکر می کنم این نکته باید درک بشود که یک افزایش ناچیز در حدود چند سانتیمتر هم به معنی از دست رفتن سطح وسیعی از زمین های کشور من است، چون خیلی از زمین های ما پست هستند. ما همین حالا هم اجتماع هایی داریم که مجبور به تغییر مکان شده اند و بسیاری از منازل مسکونی و تجهیزات آب شیرین کن آنها به زیر آب رفته. همین حالا هم تغییرات الگوهای آب و هوایی که به دلیل گرم شدن کره زمین

و نوزولا کشوری است بالقوه ثروتمند. این کشور با داشتن ۲۸ میلیون نفر جمعیت، هم نفت دارد، هم منابع طبیعی و هم جنگل های فراوان. از طرفی دارای سواحل و جزایر زیبایی است که باب طبع گردشگران دنیا است. هر کدام از این مزیت ها می تواند به تنهایی عامل توسعه یک کشور باشد. کاراکاس پایتخت کشور و نوزولا نیز، در یک دره سرسبز واقع شده، با آسمان خراش های بلند و ساختمان های باشکوه قدیمی که یادآور دوره شکوفائی این شهر است. کاراکاس شهری است شیک و تمیز، دارای مترو، قطار هوائی، خیابان های عریض با پیاده روهای وسیع و مردمانی خوش پوش و شاد. متأسفانه مدتی است خیابان های این شهر درگیر تظاهرات خیابانی و غارت فروشگاه های مواد غذایی شده. سطح شهر پر است از سنگر و سربازانی که با تفنگ های آماده گشت می زنند. قیمت دلار آمریکا طرف ۵ سال، از ۵ بلیوار به ۱۶۰۰ بلیوار افزایش پیدا کرده، یعنی پول و نوزولا سیصد و بیست درصد کم ارزش شد و بر رشد نقدینگی و نرخ تورم افزوده، تا جایی که اقتصاد و نوزولا، امروزه در سرانحالی پرتگاه قرار گرفته است.

۸ سال پیش وقتی قیمت یک بشکه نفت به ۱۴۰ دلار رسید، در آمد و نوزولا به شدت بالا رفت، هوگو چاوز رئیس جمهور وقت کشور، به تصور اینکه قیمت نفت همواره رو به افزایش است، شروع به ولخرجی کرد و با اتکاء به پول نفت، به مردم وعده داد، همه مایحتاج اساسی را بزودی مجانی خواهد کرد. در راستای همین شعار، سوبسیدهای متنوع و فراوانی پرداخت، گاز را رایگان کرد و قیمت بنزین را یک سنت تعیین نمود. ناگفته نماند بخش بزرگی از این بنزین مجانی، به کشورهای همجوار قاچاق شد و پولش به جیب قاچاقچی های بین المللی رفت. تنها پارانه سوخت، سالانه ۱۲ میلیارد دلار صورتحساب ملی برای و نوزولا به بار آورد. سرانجام در اثر سقوط قیمت نفت به زیر ۵۰ دلار و افت یک میلیون بشکه از حجم استخراج و نوزولا، کم کم کفگیر به ته دیگ خورد. به ناچار قیمت بنزین به یکباره ۹۵ برابر گران شد. در نتیجه تعداد زیادی از مشاغل کاذب که بر محور بنزین ارزان ایجاد شده بود، به ناگهان از بین رفت و قیمت کلیه مایحتاج به دلیل هزینه حمل و نقل به شدت بالا رفت و فشار زیادی به مردم وارد گردید. مطمئناً اکثر این کارها با خیراندیشی و به منظور ایجاد رفاه برای مردم کم درآمد انجام شده بود،

ولی به دلیل سوء مدیریت و تزریق نقدینگی به جای ثروت، در نهایت کار به جایی رسید که مردم و نوزولا از حداقل رفاه نیز بی بهره شدند و به خیابان ها ریختند و به ناوای ها و فروشگاه های مواد غذایی حمله کردند.

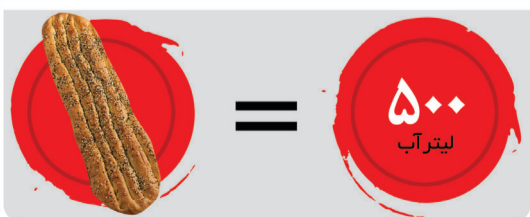
سیاست گذاران و نوزولا با کاهش درآمد نفت دوره در پیش داشتند. یکی اینکه سیاست های پارانه ای را متوقف کنند و با اعمال سیاست های ریاضتی، اثر کاهش بهای نفت را پوشش دهند، راه دیگر این بود که بدون توجه به عوارض تورمی، دست به چاپ اسکناس بزنند. در گزینه نخست، هر چند در کوتاه مدت از میزان محبوبیت دولت کاسته می شد، ولی امکان اینکه اقتصاد از پرتگاه بحران دور شود وجود داشت. البته دولتمردان راه دوم را انتخاب کردند و با انتشار اسکناس و ایجاد سیستم نرخ چندگانه ارز و تداوم اعطای یارانه به سوخت و سایر مایحتاج مانند آب و برق و گاز و مواد خوراکی، باعث شدند شرایط کشور در وضعیت بحرانی قرار گیرد.

این حرف درستی است که آب از آسمان بر روی زمین می بارد، ولی رایگان نیست. قیمت واقعی آب از سه بخش تشکیل شده. ۱- ارزش ملی آب ۲- هزینه های زیر بنایی ۳- هزینه های جاری. طبق شاخص سازمان ملل کشورهایی که تا ۱۰ درصد از حجم آب تجدید پذیر خود را برداشت می کنند، کشور های بدون بحران تلقی می شوند و قیمت ملی آبی را می توان مجانی در نظر گرفت. اگر این میزان به ۴۰ درصد افزایش پیدا کند، در آستانه بحران قرار می گیرند و بهتر است برای ۳۰ درصد آب مازاد، قیمتی در نظر بگیرند تا مردم انگیزه صرفه جوئی پیدا کنند و درآمد حاصله نیز برای تامین آب مازاد از کشورهای هم جوار یا آب شیرین کن ها یا هدایت آب های فصلی به منابع زیر زمینی و آبخوان ها صرف شود. کشور ایران اکنون بیش از ۷۰ درصد از آب تجدیدپذیر خود را مصرف می کند و وارد مرحله بحران شدید شده. در این شرایط می بایست برای ۶۰ درصد برداشت مازاد، مبلغی به عنوان ارزش ملی آب در نظر گرفته شود. بخش دوم هزینه تاسیسات زیر بنایی آب مانند تصفیه خانه ها، سدها، تونل ها و خطوط انتقال کلان و قیمت آبی است که در دریاچه سدها تبخیر می شود. این هزینه ها با توجه به عمر مفید تاسیسات، باید محاسبه و به صورت سرشکن، بر قیمت آب افزوده گردد. قسمت سوم شامل هزینه های جاری مانند هزینه انرژی برای پمپاژ، هزینه تصفیه خانه ها، توزیع، لوله کشی، تعمیرات و نگهداری، هزینه آب به حساب نیامده و هزینه های پرسنلی و اداری است که باید با اضافه شدن به هزینه های دو بخش دیگر، مبنای قیمت گذاری آب قرار گیرد. امروزه قیمت متوسط آب شرب ۳۵۰ تومان در هر متر مکعب و آب کشاورزی ۵۰ تومان است که با توجه به قیمت واقعی آب، به جرات می توان گفت آب به قیمت رایگان به مردم تحویل داده می شود. با توجه به اینکه جمعیت اضافه شده و مصرف سرانه نیز به شدت بالا رفته، دیگر کفگیر به ته دیگ رسیده. فکر می کنید تا کی می توان به این شرایط ادامه داد؟ این کار دو راه حل دارد، یا اینکه به تدریج سیاست یارانه ای را متوقف و با اعمال سیاست های ریاضتی و تمرکز بر روی حداکثر صرفه جوئی، مصرف را کاهش دهیم، یا اینکه به هر کجا که شده آب مجانی در اختیار مردم بگذاریم تا اینکه بزودی طبق قانون عرضه و تقاضا، مردم مجبور شوند آب را از مراکز غیر دولتی و با قیمت های گزاف خریداری کنند که حتماً پی آمدهای سختی خواهد داشت. متأسفانه تا زمانی که بحران آب، در سرانحالی خطرناکی بیفتد، وقت زیادی باقی نمانده.

ش.ب

## کفگیر و ته دیگ

هر ایرانی ۴۸۵۰ لیتر در روز آب مصرف می کند



## گفتگو با آقای آرش نور آقایی در رابطه با تاثیرات متقابل گردشگری و محیط زیست

آقای آرش نور آقایی از علاقه‌مندان به فرهنگ و محیط زیست و طبیعت ایران هستند. ایشان مدت ۱۳ سال است که به شغل راهنمای گردشگری مشغولند و مدت چهار سال نیز رئیس کانون انجمن های صنفی راهنمایان گردشگری سراسر کشور بودند. در حال حاضر ایشان رئیس شورای سیاست گذاری فصلنامه گیلگمش هستند، نشریه‌ای که هدفش را حفظ و معرفی میراث فرهنگی و رونق گردشگری اعلام کرده. این نشریه نگاهی محیط زیستی به گردشگری دارد و تنها نشریه‌ای است که برای احترام به محیط زیست به جای استفاده از کاغذ معمولی، برای چاپ آن از کاغذ پودر سنگ استفاده می‌شود. کاغذی که هرچند گران است ولی چون از ضایعات سنگبری‌ها ساخته می‌شود، نیاز به قطع درختان و مصرف آب فراوان ندارد.

در این شماره پای صحبت آقای آرش نور آقایی می‌نشینیم تا با تاثیرات مثبت و منفی گردشگری بر روی طبیعت و محیط زیست آشنا شویم.

### گردشگری و محیط زیست در چه نقطه ای با هم پیوند می‌خورند؟

اکثر مکان‌های گردشگری در بستر محیط زیست واقع شده‌اند، جاده‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، آثار باستانی و تاریخی، کویرها، آبشارها، همه در قلمرو طبیعت و محیط زیست هستند. به همین دلیل گردشگری همواره از محیط زیست تاثیر می‌گیرد و بر آن موثر است. من در شورای سیاست گذاری فصلنامه گیلگمش هشتم نشریه‌ای که شعارش «از کوره راه تا شاهراه» است، شعاری که نمادی است از سنت تا مدرنیته. تاکنون چهار شماره از این نشریه عرضه شده و در هر شماره آن پرونده‌ای مربوط به گردشگری و میراث فرهنگی چاپ شده است، در شماره اول به گردشگری خلاق پرداختیم، پرونده شماره دوم مربوط به گردشگری خیابانی بود. در شماره سوم مخاطبان خود را به بازدید از حیات وحش در فصل زمستان دعوت کردیم و در آخرین شماره با توجه به اینکه شعار سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ «گردشگری ابزار توسعه پایدار» است، نگاهی داشتیم به گردشگری و توسعه پایدار، یعنی همان جایی که محیط زیست و گردشگری با هم پیوند می‌خورند. توسعه پایدار چهار بخش اساسی دارد. بخش بنیادی، بخش اقتصادی، بخش محیط زیستی، و بخش جوامع محلی. محیط زیست همان بخش است که به توریسم مربوط می‌شود. البته بخش جوامع محلی و بخش



روز به مراتب بیشتر از ضرر ۳ توریست در ۱۵ روز است، در حالی که درآمد تغییر چندانی نمی‌کند، زیرا تعداد شب‌های اقامت در هتل و تعداد وعده‌های غذایی ثابت باقی می‌ماند. حالا این سوال پیش می‌آید که چرا اقامت پر تعداد و کوتاه مدت، به نفع محیط زیست نیست؟ خود ما اگر برای چند ساعت به مهمانی برویم، میزبان باید همه چیز را برایمان فراهم کند، زمانی هم که مهمانی را ترک می‌کنیم همه چیز را رها می‌کنیم و می‌رویم، در صورتی که اگر به مهمانی چند روزه رفته باشیم، کم کم با خلق و خو و رفتارها و هنجارهای صاحب خانه آشنا می‌شویم و سعی می‌کنیم در کارها مشارکت کنیم. مثلاً ظروف را می‌شوئیم، نظافت می‌کنیم و کارهایی از این قبیل. موقع رفتن هم شرایط را به حال اول بر می‌گردانیم. توریستی که کوتاه مدت به کشور می‌آید، وقت نمی‌کند با محل اقامت خود احساس همدلی و همکاری پیدا کند، فقط ریخت و پاش می‌کند و می‌رود. در صورتی که اقامت طولانی توریست باعث می‌شود مشکلات و کمبودها را درک کند و با آنها سازگار شود. راهکار دیگر که



می‌بیند و ممکن است که نگران شود. و زمان لازم دارد تا اعتمادش جلب شود. در شرایط موجود شاید با یک برنامه ریزی فکر شده، بهتر باشد که ورود و خروج توریست‌ها از سایر شهرهای کشور اتفاق بیفتد. یکی دیگر از مسائل محیط زیستی که انگیزه گردشگری را کم می‌کند، آپارتمان سازی و از بین رفتن بافت‌های قدیمی کشور است. دیدن ساختمان‌های بلند یا اتوبان برای توریست انگیزه مناسبی ایجاد نمی‌کند، بلکه او می‌خواهد محیط‌های قدیمی و فرهنگی اصیل کشور میزبان را ببیند. ما گردشگران زیادی را داشته‌ایم که به ایران آمده‌اند و از این ناراحت بودند که چرا در همه جا زباله دیده می‌شود. در مسیرها و جاده‌ها، در حاشیه رودخانه‌ها و سواحل دریا، حتی در کویر و جنگل و آثار تاریخی معتبر نیز همه جا زباله پراکنده است. توریست‌ها ناراحتند که چرا نگاه مردم ایران به زباله نگاه درستی نیست. خلاصه اینکه توریست طبیعت گرد، عاشق بکر بودن محیط زیست و آشنا شدن با آداب و رسوم و تاریخ کشور میزبان است، پس به جایی می‌رود که این خواستش ارضاء شود. همه این مواردی که اشاره کردم، به هم مرتبط است و با برنامه‌ریزی و آموزش، بسیاری از آن‌ها قابل حل شدن هستند، به شرطی که رابطه بین دانشگاه، صنعت توریسم و بازار کار، رابطه‌ای منسجم و مستمر و بهینه باشد.

### کمبود آب چه تاثیری می‌تواند بر صنعت گردشگری داشته باشد؟

به لحاظ این‌که مسئله آب برای من خیلی مهم است، همیشه اخبار مربوط به بحران آب را در دنیا و کشور خود دنبال می‌کنم و می‌دانم وارد مرحله بحران آب شده ایم. از طرفی به چشم خود می‌بینم آبشارها و رودخانه‌ها کم آب تر شده‌اند، رودخانه‌های فصلی دیگر آب ندارند، تالاب‌ها در حال از بین رفتن هستند و محیط زیستمان در حال ضربه خوردن است. من کاملاً نگرانم، چون توریسم وابسته است به محیط زیست و محیط زیست به آب زنده است. البته صنعت گردشگری به آن حد از رونق نرسیده که بگویم بحران آب بر روی آن تاثیر گذاشته است. ولی آنچه مسلم است اگر کشور خشک شود و در مناطق توریستی که معمولاً دور افتاده هستند، آب برای مصارف بهداشتی کمیاب شود و دیدنی‌های محیط طبیعی کشور مانند زاینده رود و آبشارها و دریاچه‌ها خشک شوند، حتماً بر روی زیبایی‌های سرزمین و رفاه توریست تاثیر خواهد گذاشت، در نتیجه از تعداد توریست کاسته خواهد شد.

از اینکه وقت خود را در اختیار ماهنامه KWC قرار دادید از شما متشکریم.

### نخستین جشنواره گردشگری با تاکید بر حفاظت از محیط زیست

این روزها مسئله حفاظت از محیط زیست، می‌رود تا جایگاه واقعی خود را در اجتماع پیدا کند، هرچند دیر هنگام ولی از قدیم گفته‌اند دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن.

گردشگری هم از این قاعده عمومی مستثنی نیست. امسال در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه، نخستین جشنواره همدلی، توسعه گردشگری با محوریت حفاظت از محیط زیست در روستای «سادات محله»، ساری برگزار شد. در این جشنواره حدود ۴ هزار نفر از علاقه‌مندان و طبیعت دوستان حضور داشتند. اجرای موسیقی سنتی، مسابقه عکاسی از طبیعت و جاذبه‌های گردشگری، اجرای بازی‌های بومی و محلی، نمایشگاه صنایع دستی و ارائه غذاهای محلی از برنامه‌های این جشنواره بود که در روستای سادات محله برگزار شد. کمیته فرهنگی جشنواره در تمام طول برگزاری، ضمن پیش‌بینی‌های لازم و کنترل آلودگی‌های زیست محیطی، کلاس‌هایی برای آموزش توریست‌ها در حفاظت از محیط زیست برگزار کرد.



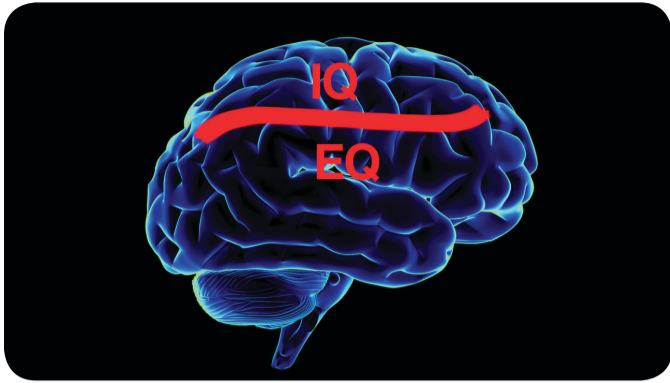
باعث کنترل تخریب‌ها می‌شود، تربیت راهنمای گردشگری است. راهنماهایی که بتوانند توریست‌ها را به خوبی سرپرستی و کنترل کنند، تا به محیط زیست آسیب نرسانند. ما راهنماهای گردشگری وقتی به همراه توریست به طبیعت می‌رویم، به آنها یادآوری می‌کنیم که نباید هیچ ردی از خود در طبیعت برجای بگذارند، ما به طبیعت گردان آموزش می‌دهیم که هیچ گونه دخل و تصرفی در طبیعت انجام ندهند، حتی یک سنگ را جا به جا نکنند، چون آن سنگ ممکن است صدها سال در همان جا قرار داشته و زیر آن زندگی‌های بسیاری در جریان باشد، از لانه خزندگان گرفته تا لانه مورچه‌ها. حتی رنگ لباس توریست‌ها را کنترل می‌کنیم و به آن‌ها تذکر می‌دهیم که لباس نارنجی و یا قرمز و رنگ‌هایی که با طبیعت همخوانی ندارند نپوشند تا به طبیعت استرس وارد نشود. حتی بوی تند ادکلن و بوی تن انسان، فضای امن محیط زیست را بر هم می‌زند. در حال حاضر فضاهای محیط زیست کشور منطقه بندی شده، در بعضی از مناطق گردشگران می‌توانند حضور داشته باشند، ولی منطقه‌هایی هست که فقط محیط بان می‌تواند برود، حتی مناطقی وجود دارد که محیط بان هم اجازه ورود ندارد. چون آن‌جا محل زاد و ولد گونه‌های جانوری است.

### توریسم چه تاثیر بر اقتصاد های محلی دارد؟

اقتصاد یکی از مهم ترین مسائل برای جوامع انسانی است. هر جا گردشگر می‌رود رونق اقتصادی نیز به دنبال خود دارد. رونق اقتصادی یعنی دور شدن جوامع محلی از فقر مالی. همه ساله در دنیا بیش از یک میلیارد نفر به سفر توریستی می‌روند، یعنی از هر ۷ ساکن کره زمین یک نفر. به همین دلیل گردشگری امروزه تبدیل به یک کنش اجتماعی بزرگ شده و در لیست ۳ صنعت اول دنیا قرار دارد. چرا کشورهایی مانند ترکیه، مالزی، اسپانیا، یونان، آلمان، آمریکا و فرانسه علاقه‌مند هستند که قطب گردشگری بمانند؟ چون می‌خواهند از مزایای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی گردشگری استفاده کنند. آمار می‌گوید وقتی محلی به مقصد گردشگری تبدیل شود، به ازای هر گردشگر ۱۱ شغل در محل گردشگری ایجاد می‌شود، در نتیجه مراودات مالی اتفاق می‌افتد و اقتصاد رونق پیدا می‌کند و ثروت به منطقه تزریق می‌گردد. در مجموع توریست می‌تواند بر روی جوامع محلی و محیط زیست یک تاثیر مثبت داشته باشد، البته نیاز به آموزش و مدیریت کلان همیشه وجود دارد تا کار به مسیرهای غلط نرود. کارهای دیگری هم برای حفظ طبیعت وجود دارد که با مدیریت خاصی قابل اجرا است. مثلاً هم اکنون یوزپلنگ ایرانی در معرض خطر انقراض است و ما می‌توانیم با یک راهکار مناسب و شرایط خاص و با رعایت کلیه شاخص‌ها، گردشگران را برای دیدن یوزپلنگ بیاوریم و از هر نفر مقداری پول دریافت کنیم تا مثلاً برای برای حفظ محل زندگی و زادبوم یوزپلنگ مصرف شود.

### کیفیت محیط زیست چه تاثیری بر روی گردشگری دارد؟

قطعا تاثیرگذار است. توریست می‌خواهد به جایی برود تا از زیبایی‌های آن لذت ببرد نه این‌که شکنجه ببیند. مثلاً آلودگی هوای تهران بر روی ورود گردشگران به ایران تاثیر منفی می‌گذارد، ترافیک تهران هم به همین شکل، در حال حاضر به صورت سنتی، مبادی ورود توریست به کشور شهر تهران است. در واقع توریست در همان مواجهه اول از فاصله طولانی فرودگاه با شهر و آلودگی هوا و ترافیک تهران آزار

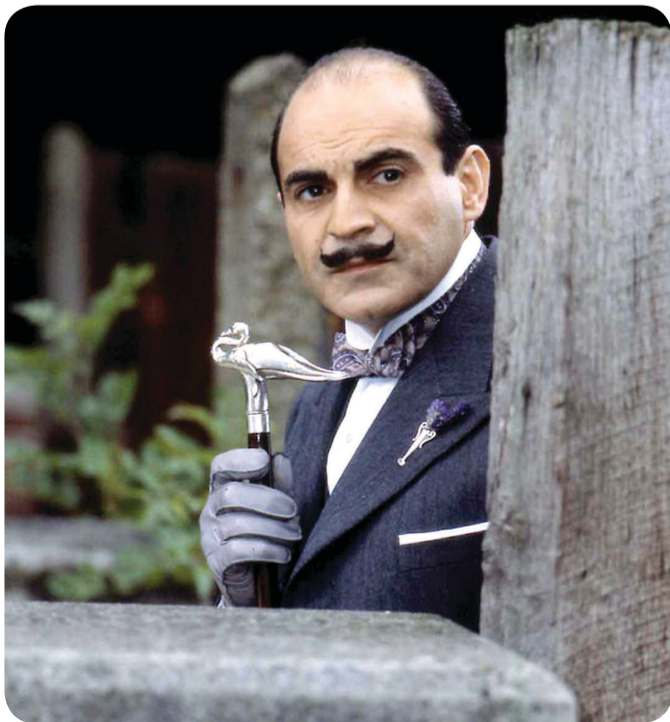


بسیار بالا، موفقیت های اجتماعی اندکی در زندگی خود بدست آورده بودند. نمونه بارز آن آلبرت انیشتین است که با داشتن بهره هوشی ۱۶۰، یکی از چند عالم بزرگ طول تاریخ بشر شناخته می شود، اما او در زندگی اجتماعی خود فرد موفقی نبود، چون از هوش هیجانی بالایی برخوردار نبود. او در طول زندگیش همیشه در فشار مالی قرار داشت، تا جایی که حق و حقوق همسر سابق خود را پس از سال های طولانی، زمانی که موفق به کسب جایزه نوبل شد، توانست پرداخت کند. انیشتین در زمینه علمی هم EQ قوی نداشت چون به تئوری انبساط جهان که خودش کشف کرده بود شک کرد و با گنجاندن یک ضریب در فرمول ریاضی انبساط جهان، جلو انبساط آن را گرفت. تا اینکه چند سال بعد ادوین هابل با رصد ستارگان متوجه شد که به واقع جهان در حال گسترش است و همان فرمول اولیه انیشتین صحیح بوده.

با دیدن نمونه های مشابه روانشناسان به این نتیجه رسیدند که ضریب هوشی بالا، لزوماً ضمانتی برای موفقیت نیست و همه ابعاد شخصیتی یک فرد را پوشش نمی دهد. البته شکی در این نیست که برای موفقیت و کسب درآمد بیشتر و حتی سلامت بهتر، بهره هوشی قوی لازم است، اما این نوع از هوش به هیچ وجه کافی نیست. برای مرادفات روزانه، تعامل با دیگران و ابراز واکنش های احساسی به موقع، انسان نیازمند به هوش هیجانی است و هرچه توانایی افراد در این زمینه بیشتر باشد، موفق تر خواهند شد. مثلاً در دنیای کسب و کار، هوش هیجانی تأثیرات فوق العاده مهمی از خود بر جای می گذارد. امروزه شرکت های بزرگ برای استخدام نیروهای خود، از آنها آزمون های هوش هیجانی می گیرند. تحقیقات نشان می دهند، افرادی که ظرفیت بالقوه رهبری دارند، از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند.

چربی های سالم و ماهی داشته باشید که سرشار از مواد غنی برای تأمین انرژی مورد نیاز مغز باشند. اسفناج و سبزیجات سبزی برگ مانند کلم پیچ، سبب بهبود عملکرد مغز می شوند. چربی های اشباع و ترانس و قندهای ساده و همچنین شیرین کننده های شربتی مانند شربت ذرت با فروکتوز بالا می توانند اثرات زیان بخشی بر مغز داشته باشند.

برنامه خواب خود را تنظیم کنید، ۷ تا ۸ ساعت خواب در شب می تواند توان ذهنی را افزایش دهد. دستگاه های الکترونیکی و گوشی های هوشمند را به محل خواب خود نبرید. در ساعات آخر شب غذای سنگین نخورید و یک ساعت قبل از رفتن به رختخواب به فعالیت های آرامش بخش نظیر خواندن کتاب و مطالعه بپردازید. به طور منظم ورزش کنید. ورزش تأثیر عمیقی بر توانایی های مغز دارد. علاوه بر تناسب اندام، ورزش روزانه می تواند ظرفیت و قدرت مغز را برای منطقی بودن افزایش دهد. برای افزایش توانایی مغز و برای پردازش اطلاعات آن ضروری است به خود کمی استراحت بدهید و در فعالیت های آرامش بخش شرکت کنید. یک روز در هفته را به عنوان روز استراحت، تعیین کنید و آن روز را فقط به کارها و فعالیت هایی که برای شما لذت بخش است اختصاص دهید.



به صورت کمی در آورد و باور داشت که هوش تحت تاثیر عامل متنوعی قرار دارد و تنها در بین کودکانی با سابقه رشد یکسان، قابل مقایسه است.

از آن زمان در بین مردم رایج شد که هوش افراد را با IQ بسنجند و عدد IQ را به عنوان نماد هوشمندی، موفقیت و توانمندی افراد باور کنند. تا اینکه در سال ۱۹۹۶، برای اولین بار دنیل گلمن (Daniel Goleman)، نوع دیگری از هوش را در کتاب «هوش هیجانی» (Emotional Intelligence) معرفی کرد و اهمیت زیادی برای آن قائل شد. از آن زمان به تدریج EQ نیز در کنار IQ برای سنجش هوش یک فرد مطرح شد و کم کم دانشمندان به اهمیت هوش هیجانی پی بردند. امروزه روان شناسان قبول کرده اند که بهره هوشی به تنهایی تمام توانایی ها و ظرفیت هوشی انسان را بازگو نمی کند، بلکه این هوش هیجانی است که نقش مهم تری در موفقیت انسان ها بازی می کند. تحقیقاتی که اخیراً در دانشگاه کارنگی (Carnegie) انجام شد نشان می دهد تا ۸۵ درصد موفقیت هر فرد وابسته به هوش هیجانی او است و بهره هوشی یا IQ فقط بین ۱۵ تا ۲۵ درصد در موفقیت افراد نقش دارد.

برای درک تفاوت میان بهره هوشی و هوش هیجانی، ابتدا باید به تعریف این دو بپردازیم. بهره هوشی، عددی است که از یک آزمون استاندارد و مشخص کسب می شود و با تقسیم سن عقلی هر فرد بر سن تقویمی و ضرب کردن آن در عدد ۱۰۰، محاسبه می شود. مثلاً فردی با سن عقلی ۱۵ و سن تقویمی ۱۰، دارای ضریب هوشی ۱۵۰ است. تست IQ افراد که سن عقلیشان با سن تقویمی آنها مساوی است معمولاً بین ۹۵ تا ۱۰۰ قرار دارد، عدد بالای ۱۳۰ نشانگر افراد باهوش و پایین تر از ۷۰ نشانگر نوعی از مشکلات مغزی است. هوش هیجانی EQ میزان قدرت فرد در درک، کنترل، ارزیابی و شیوه ابراز احساسات او را نشان می دهد. تا مدت ها هوش هیجانی محثی مبهم و ناشناخته به شمار می رفت و رد پای آن تنها در مجلات علمی و آموزشی دیده می شد. اما امروز حتی در فروشگاه های اسباب بازی، با کالاهایی مواجه هستیم که ادعا می کنند به افزایش هوش هیجانی کودکان کمک می کنند.

نزدیک به یک قرن بهره هوشی یا IQ به عنوان کلید اصلی موفقیت افراد شناخته می شد و احتمال موفقیت افرادی با ضریب هوشی بالا، بسیار زیادتر از مردم عادی برآورد می شد. در آن سال ها دانشمندان سعی می کردند ارتباط میان میزان IQ با ژنتیک و محیط رشد را پیدا کنند. در همان زمان هم تعدادی از دانشمندان معتقد بودند IQ همه چیز نیست و عامل دیگری هم در موفقیت انسان موثر است، چون نمونه هایی وجود داشت که با IQ

دوستان و اعضای خانواده تان وقت بگذرانید، در مراسم اجتماعی شرکت کنید و از هر فرصتی برای آشنا شدن با افراد جدید استفاده کنید. اگر فردی خجالتی یا درون گرا هستید، احتمالاً این کار برای شما مشکل است، اما می توانید خودتان را به تدریج برای پذیرفتن مرادفات اجتماعی آماده کنید. فراموش نکنید هر چه بیشتر تمرین کنید ذهن شما سالم تر و قدرتمندتر خواهد شد و با گذشت زمان، مهارت بیشتری برای دستیابی به تفکر منطقی پیدا خواهید کرد.

## ۲- شناخت افکار و رفتار غیر منطقی

افراد غیر منطقی معمولاً برای هر رویداد، بدترین حالت ممکن را فرض می کند و اگر تحت شرایط تنش زا قرار بگیرند، بلافاصله در ذهن خود فاجعه سازی می کنند. فرض کنید کارفرمای شما برای تان یک نامه فرستاده و در آن از شما خواسته در جلسات کاری، همکاری بیشتری از خود نشان دهید. اگر فردی فاجعه ساز باشید، حتماً با خود فکر خواهید کرد که منظور کارفرما این بوده که شما کارمند ضعیفی هستید و می خواهد شما را اخراج کند. در صورتی که این می تواند فقط یک تذکر کاملاً طبیعی باشد.

خود و دیگران را دست کم نگیرید. مردم معمولاً موفقیت ها و نقاط مثبت زندگی خود را نادیده می گیرند. این دسته از افراد معمولاً سایرین را در ابتدای کار بی عیب و نقص و کاملاً موفق می دانند، اما به محض اینکه نکته ای منفی حس کنند، نظرشان ۱۸۰ درجه تغییر می کند. الگوهای نادرست فکری را بشناسید و بپذیرید که هر کس در زندگی خود کاستی ها و شکست ها و در عین حال موفقیت هایی دارد. خود بزرگ بینی داشتن یک حس غیر واقعی نیز از نوع افکار غیر منطقی است. باید باور کنیم که هر کس به سهم خود در محیط کار و زندگی، فرد مهمی است. برای بهبود کیفیت ارتباط با دیگران، سعی کنید با خود بزرگ بینی مبارزه کنید و بپذیرید شما هم به کمک دیگران و مشارکت آنان در زندگی نیازمند هستید. یکی دیگر از مظاهر تفکر غیر منطقی رؤیا پردازی است. برخی از افراد بر این باور هستند که رویا پردازی می تواند برای رسیدن آنها به آرزوها یا افکار مثبت کمک کند، به یاد داشته باشید موفقیت های زیادی در زندگی وجود دارد که خود به خود اتفاق می افتد و خارج از کنترل ما هستند. خیالبافی، خود محوری، پیش داوری، نهایت گرایی و مسائلی از این قبیل جزء افکار غیر منطقی هستند که باید کنترل شوند.

## ۳- تغییر شیوه زندگی

مواد غذایی که مصرف می کنید، می توانند تأثیر عمیقی بر قدرت مغز شما داشته باشند. تلاش کنید تا رژیم غذایی سالمی از میوه ها، سبزیجات تازه، حبوبات،

## IQ مهم تر است یا EQ

هوش فرایند بسیار پیچیده ای است که برای بیان آن تعریف مشخصی وجود ندارد. بعضی از روانشناسان هوش را یک نوع توانایی و قدرت ذهنی می دانند که با استفاده از تعلیم و آموزش رشد پیدا می کند. سریع ترین دوران شکوفایی هوش معمولاً از بدو تولد تا ۷ سالگی است. این فرآیند تا پانزده سالگی با شدت کمتری ادامه پیدا می کند. تعلیمات متنوعی مانند آموختن شیوه استدلال، قدرت برنامه ریزی، توان حل مسئله، داشتن تفکر انتزاعی، استفاده از زبان و تنوع در آموزش، بعضی از عواملی هستند که هوش را تقویت می کنند. دیویدو کسلر روانشناس سال های اول قرن بیستم که تست هوش معروف و کسلر را پایه گذاری کرد، معتقد بود هوش مجموعه شایستگی های فرد در تفکر عاقلانه، رفتار سودمند و منطقی، اقدام موثر در سازش با محیط و عواملی از این قبیل است. نظر به های هوش متنوع هستند و در طول زمان بعضی از این نظریات تغییر کرده اند. متاخر ترین نظریه متعلق به بیل گیتس است که می گوید هوش یعنی سرعت انتقال.

تقسیم بندی های زیادی برای هوش وجود دارد مانند هوش فیزیکی، هوش حسی، هوش معنوی، هوش خلاقانه، هوش کلامی و ده ها مورد دیگر. در اوایل دهه ۱۹۰۰ میلادی، دولت فرانسه قانونی را از مجلس گذراند که به موجب آن تمام کودکان باید به مدرسه بروند. در آن زمان تعداد زیادی کودک بودند که در مقاطع مختلف، تحصیل را رها کرده بودند. به همین دلیل دولت به دنبال یافتن راهی بود تا بتواند کودکان را در کلاس مناسب ثبت نام کند. برای این کار از آلفرد بینه، روان شناس سرشناس، خواست تا راهکاری پیدا کند.

بینه و همکارش تئودور سایمون تعدادی سوال تهیه کردند که تمرکز آنها بر روی مسایلی بود که مستقیماً در مدرسه آموزش داده نمی شد، مانند میزان حافظه و توجه دانش آموز و مهارت های او در حل مسئله. بینه با استفاده از این پرسش ها مشخص کرد که هر دانش آموزان در چه سطحی از معلومات قرار دارد. پس از تحلیل این یافته ها او دریافت برخی از بچه ها قادرند به پرسش های دانش آموزان بزرگتر از خود پاسخ دهند و برخی تنها قادرند به سئوالات دانش آموزان کوچک تر از خود پاسخ دهند. بینه براساس این مشاهدات، مفهوم «سن عقلی» را مطرح کرد، به این شکل که سن عقلی افراد می تواند کمتر، بیشتر و مساوی با سن تقویمی آنها باشد.

این آزمون هوش، پایه ای شد برای ارزیابی بهره هوشی که امروز هم همچنان مورد استفاده قرار می گیرد و به آن تست آی کیو (Intelligence Quantity) می گویند. البته بینه معتقد بود که هوش، مفهومی بسیار وسیع است و نمی توان با یک عدد آن را

## چگونه منطقی فکر کنیم

اگر بخواهید مشکلات خود را به روش های مؤثر و ساده حل کنید، باید بیاموزید چگونه منطقی فکر کنید. برای منطقی فکر کردن باید بتوانید خود را از تفکرات قدیمی خلاص کرده و خود را تغییر دهید. آیا روش موثری برای تغییر شیوه تفکر وجود دارد؟ پاسخ مثبت است. برای منطقی فکر کردن، سه کار باید انجام داد، تمرینات ذهنی، شناخت رفتار و افکار غیر منطقی و تغییر شیوه زندگی.

### ۱- انجام تمرینات ذهنی

مغز نیز مانند سایر اعضای بدن، به تمرین نیاز دارد تا عملکرد بهتری داشته باشد. متأسفانه وسایلی مانند موبایل و کامپیوتر فقط بخش خاصی از مغز را درگیر می کند و امکان تمرین مغز را در جهات مختلف کم می کنند. مثلاً در سال های اخیر افراد از حفظ کردن مهم ترین شماره تلفن های خود عاجز و از پیدا کردن ساده ترین آدرس ها بدون دستورات یک جی پی اس ناتوان هستند. یک روش خوب برای بهبود عملکرد مغز، این است که مرتباً حافظه خود را محک بزنیم. سعی کنید هر روز چیزهای کوچکی را به خاطر بسپارید. مثلاً فهرستی از خوراکیار تهیه کنید و آن را از بر کنید، یا قطعه کوچکی از یک شعر یا یک کتاب را حفظ کنید، سپس بعد از یک ساعت، دوباره آنچه را که حفظ کرده اید مرور کنید و ببینید که چه مقدار از آن به یادتان مانده. تلاش کنید تا با رجوع به حافظه تان، نقشه مسیر منزل به محل کار، فروشگاه، منزل دوست تان یا هر جای دیگری را که اغلب به آنجا می روید رسم کنید. آیا می توانید جزئیات این مسیرها را نیز به یاد بیاورید؟

به جزئیات توجه کنید. توجه به چیزهای به ظاهر بی اهمیت می تواند یک ابزار مهم برای دستیابی به تفکر منطقی باشد. هرگز تعداد قدم های تان را در مسیر محل کار شمرده اید؟ آیا هرگز پیش آمده سعی کنید غلط های املائی یک متن را پیدا کنید؟ چقدر جدول حل می کنید؟ حل جدول سبب می شود تا مغز شما به تدریج قابلیت های بیشتری پیدا کرده، سلول های عصبی مغز پیچیدگی لازم را پیدا کنند، تا ما بتوانیم منطقی تر ببیندیشیم. سعی کنید مهارت هایی جدید بیاموزید، چون هر مهارت جدید، نیاز به تفکر منطقی را بیشتر می کند. مهارت هایی مانند آموزش یک زبان جدید، نجاری، آشپزی، شنا، نقاشی و کارهایی از این قبیل، می تواند به افزایش مهارت های تفکر منطقی کمک کند. معاشرت کردن با مردم مختلف و متنوع، چالش موثری برای تمرین ذهن است. ارتباطات اجتماعی و دوستی با دیگران، مغز را تغذیه می کند و فرد را به سوی تلاش برای درک بهتر از جهان اطراف سوق می دهد. با

